ماشاء الله ولا قوة الا بالله
نمو الصباغین
در ۱۲۸۶ھ مطبع
کانپور مطبوع

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد لمن صبغ قلوب المؤمنین بصبغه والصلوة علی رسوله الذی برق
افئدة المسلمین بلوامع هدایته وعلی اولاده وصحبه الکرماء العظماء ابدا ابدا
بدانکه این رساله ایست در رنگ کردن ثیاب از عبد العلیم نصر الله خان تحلیل
الاحمدی الخورجوی رحمه الله القوی که برای تسهیل کار غربا بجمع آورد و این علمی است
که از اہل سلف تا خلف کتابی الی یومنا هذا درین باب دیده نشده الله القدیر بحق برگزیدگان
خود این نگاشته را مقبول نظر خاصان خویش گرداند و داعی را بثواب ساند آمین تاریخ
نمو الصباغین ۱۲۸۰ کردم تا هر عامل آن در رنگ کردن بمعنی یابد و هر کاریگر در تصحیح متعلم
شتابد و الله ولی التوفیق صِبْغَةَ اللّٰهِ وَمَنْ اَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ
عَابِدُوْنَ **فصل اول** در رنگ کردن پارچه سیاه در نیل همچو رومال یاران با دانه
که هم عمامه است در هم چادر رضی الله عنهم ورضوا عنه **مسئله در طحطاوی است**
قوله ندب لبس السواد جبة او عمامة او رداء لحدیث ید علیه ذکره فی الدر الکبیر

طریقه رنگ کردن او آنست که یک سیر تخم پنواڑ که آنرا در هندی چکوڑ بند میگویند بجا که کمی فرو
بریان کنانده او را دال کرده دو پاره نموده با یک سیر نیل خالص در خم یا نانده که مانده باشد
انداخته در آب که بران بگذرد تر نماید و صبح و شام و نیم روز بچوب ته و بالا کرده باشد
تا آنکه خمیر او درست شود و عفونت دهد و چون خمیرش درست شود آن زمان پارچه را رنگ دهد
که پخته خواهد شد و دیگر چونه قلعی نیم آثار و نیل خالص یک سیر و شیرهٔ قند سیاه و نیم سیر بیرهٔ آمیخته
در مانده انداخته قدری آب بگذارد و هر سه اوقات مذکوره بچوب حرکت داده باشد
که زود خمیر طیار خواهد شد و اگر موسم یا ملک سرد باشد گرد مانده چونه آتش افروزد که
بگرمی آن زود خمیر آید دران رنگ پارچه کند اگر پارچه را بعد خشک شدن در شیر گاو تازه
غرق کند یا در آب جوشانده حنا ترکند پخته تر گردد **فصل دوم** در بیان رنگ زرد کردن
از حافظ یعقوب خان صاحب آفریدی خورجوی بیارد دو گز پارچه را و در زرد چوب که خوب
سائیده باشند رنگ دهد وا فشرده خشک کند بعده در آب پھٹکری سفید سائیده آمیخته
پارچه را دران شوب دهد و خشک کند باز چهال صاف از انبه آرد و نیم سیر در آب سه سیر
جوشانیده صاف نموده پارچه مذکور را دران شوب کرده باز خشک کند و بکندی سازد
از عالی سه پائی از رنگ زرد نشاط نهان من + چون زعفران مکیست بهار و خزان من +
دیگر رنگ زرد که بدستخط حاجی امین الدین صاحب کاکوری قدس سره یافتم گل هار سنگهار
مجیٹهه ناسپال مجیٹهه را علحده جوش نماید و گل مذکور و ناسپال را یک جا جوش کرده
وقتیکه نیم آثار رنگ بماند اول از پھٹکری پارچه تر کرده بعد ازان وقتیکه خشک شود
دو بار در میان رنگ مذکور که هر دو را یک جا کرده رنگ نماید این بود تقریر حاجی صاحب مغفور
مسئله طحطاوی است **واما الاصفر بغیر الزعفران فلا کراهة**
فیه یعنی در پارچه زرد که بغیر زعفران رنگش زرد کرده باشند کراهت نیست **فصل سوم**
در بیان رنگ انبوه زردچوب ناسپال کٹ آب زاک اول زردچوب را در

در آب سائیده دو آژده ورعه پارچه را رنگین سازد و در آب انگ صاف کرده خشک کرده بعد از ناسپال
که جوش داده گرفته باشند رنگ دهد و آب آنرا نگاه دارد و بعد ازین کت دهد بعده همان آب ناسپال را
باز دهد که داشته بود و پس خشک کرده زاک را باریک سائیده در آب تر دهد و در آب زاک داده دهد
سنهرا انبوه خواهد شد. و دیگر رنگ سنهرا انبوه دو آژده درعه پارچه را زرد چوب پنج فلوس ناسپال پاؤ آثار
گیرد و بوزن نیم فلوس زاک بوزن دو فلوس اول زرد چوب دهد و صاف کند بعد ازین ناسپال را
جوش داده صاف کرده رنگ دهد و آب ناسپال را نگاه دارد و بعد ازین گیرو دهد بعده همان آب
ناسپال که داشته بود و بعد ازین زاک آب تر دهد بعد ازین در آب زاک مالیده دهد سنهرا انبوه خواهد شد
دیگر ناسپال و مجیٹهه برابر هر دو را جدا جدا بجوشانند و پهٹکری داده خشک نموده در آب هر دو صاف
باهم آمیخته رنگ کند. دیگر انبوه کشمشی بیارد چوب پخته کتهل که برنگ سرخ باشد یک پاؤ و آن
پاره پاره کرده در آفتاب اندکی خشک کند پس آنرا در آب چهار آثار بخیسانند مع پوٹلی گل معصفر و گل پاسنگها
و گل ٹسن که هر یکی دو دو توله در پارچه بسته باشند بجوشانند هرگاه که خوب پخته شد از آتش فرود آورده
سرد کنند و دیگر پارچه را اول در یک توله شنجرف که خوب در آب بامتزاج سائیده باشند رنگین سازد
خشک نماید بعده در آب جوشانده صاف کرده رنگین نماید و خشک کرده باستعمال آرد
از لاله دیبی پرشاد صاحب کالیستهری باستثناء متوطن قصبه لسوان ضلع سیتاپور. دیگر
از لاله صاحب ممدوح است ناسپال و مجیٹهه مساوی وزن هر دو را جوکوب نموده شب در آب
که بقدر رنگ باشد تر نماید و صبح جوش دهد پس صاف نموده نگاه دارد و اول پهٹکری خوب باریک
ساخته در آب حل کند و جامه را در آن آب تر کرده خشک نماید بعده در آب مطبوخ مصفی غوطه دهد
که رنگ انبوه سنهرا خواهد شد و اگر بعد از شوب در آب نیل غوطه داده در آب مطبوخ غوطه دهد مرچی خواهد شد

فصل چهارم در رنگ طوسی کهلی ببول نیم آثار مجیٹهه پاؤ آثار کسیس یکدام پهٹکری دو دام

پسلی و مجیٹهه را اول جوکوب نموده شب در آب تر کرده صبح جوش دهد و آب آنقدر باشد که در جه
رنگ توان کرد اول پارچه را در آب صاف پهٹکری شوب داده خشک نموده و غوطه اول آن

رنگ مذکور رنگ کنند و در نصف رنگ باقی مرتبه دوم کسیس سائیده داخل نموده رنگ کنند
و باختیار طبیعت هر قدر که خواهند یکبار یا دو بار غوطه دهند یا زیاده رنگ طوسی قسم اول خواهد شد
بنفش نیم پاؤ هیره نیم پاؤ ثمر ام غیلان و کسیس یکدام همه را جوش کرده رنگ سید هند و دیگر پوست
بهول پاؤ آثار که بهول چار دام جو کوب نموده شب در آب تر کرده صبح جوشانده اول پارچه بهیگانی
و در دام داده رنگ نماید و یکدام کسیس در همان رنگ آمیخته باز غوطه دهند رنگ طوسی اول خواهد شد
دیگر اول چهار حصه مازوی کلان آورده باریک سائیده در آبی که لائق شوب پارچه بود حل کرده
یک تهمان قبا را رنگ دهد و پارچه را خشک نکند و آب مازو را دور کند آب دیگر در آن کرده و کٹ
از آن خورده چهارم حصه در آب مذکور انداخته رنگ دهد فاختئی خواهد شد پارچه را خشک کرده سه پاؤ
پوست جهر بیری آورده خوب باریک نموده در آب خوب جوش دهد هر گاه رنگ از بیرون آید باز رنگ دهد
خوب طوسی خواهد شد بعده باز دیگر چهار ماشه مازو آورده باریک سائیده در آب بسیار آمیخته شوب دهد
پس آن آب را دور کرده در آب دیگر اندک اندک کٹ (ای کف نشاسته) در آب انداخته با دست کٹ و آب را مخلوط نموده بسیار
رنگ دهد و پارچه را خشک کند گیروی یک مٹی آورده در آب دیگر سائیده بدست صاف کرده باز
رنگ دهد و خشک نکند و تر نگهدارد و آهک بوزن کوڑی و کته بوزن یک و نیم فلوس کته را سائیده
و اندک آب تر کرده نگهدارد و بعد از آن آنرا خوب سائیده در آب بسیار مخلوط کرده صاف نموده آهک را
با کته مخلوط نموده تا یک گهڑی نخته در آفتاب بکف دست بر هم زند باز رنگ دهد باز آب دور کرده
در نیمه از این پایه دو طوسی شود دیگر **طوسی مائل بسرخی خوشنما** تحته از حافظ میرزا عبد الغفار بیک صاحب
خورجوی سلمه الله تعالی مجیٹهه نیم پاؤ برگ حنا نیم پاؤ هلیله زرد نیم پاؤ آمله خشک نیم پاؤ قند سیاه نیم پاؤ
اول مجیٹهه و برگ حنا را کوفته شب در آب شش سیر تر داشته در ظرف گلی صباح چند جوش دهد صاف کرده
نگهدارد و پس هلیله زرد و زرد چوب باریک سائیده در آب بسیار انداخته بنوعی رنگ کند که داغ بر پارچه نیفتد
پس فشرده بیفشاند و در سایه خشک نماید و قند سیاه و آمله را در ظرف آهنی و اندک آب انداخته بافتاب نهد
هرگاه جوش زند و سیاه شود در رنگ مجیٹهه و حنا مذکور انداخته باز رنگ کند طوسی خوشنما شود برای پارچه هفت گز

فصل پنجم در بیان رنگ کاہی یعنی سبز اول نیل چمپی یک ابر و در صابون شست بعد از اول آورده سائیده و پارچہ را در آب شوید بعد ازین در ناسپال بوزن پنج یا شش فلوس بوقت شب شام در آب تر کرده نگاه دارد صباح صاف کرده رنگ دہد بعد ازین زاک سفید بوزن یک پول سائیده در آب دیگر پارچہ را دہد بعده درین آب مایہ را بدہد و رنگ دہد کاہی خواہد شد مسئلہ طحطاوی است اختلف فی لبس الاخضر فقیل لا یلبس لانہ من لباس الشیطان وقال بعضہم یلبس لما روی انس رضی اللہ عنہ کان احب الالوان الی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم الخضرۃ وثیاب اہل الجنۃ خضر ولبس صلی اللہ علیہ وسلم البرد الاخضر وما قیل انہ من لباس الشیطان لا یصح دیگر رنگ سبز اول در نیل پارچہ را رنگ کند بعده در جوشانده زرد چوب غوطہ دادہ خشک نماید و کاکڑا سینگی کوفتہ جوش دادہ پارچہ سبز نموده غوطہ دہد و خشک ساختہ بآب پھٹکری بمالد کہ خوب سبز خواہد شد دیگر زرد چوب را بسیار باریک سائیده قدری آب سجی در و آمیختہ پارچہ را ساعتی در و بگذارد بعده بآب صابون بشوید بعد ازان در دوغ ترش پھٹکری سائیده در آن آمیختہ رنگ کند کاہی شود دیگر پوست بیخ درخت کنار صحرائی پاؤ آثار و آب یک آثار پاؤ بالا شب تر نموده صبح جوش دہد پس صاف نموده کسیس رنگ نہ ہیر الکسیس در ان حل نموده بقدر نیم دام پارچہ را دو سہ مرتبہ غوطہ دہد اگر کسیس زیاده دہد رنگ زیاده شود لا الہ الا ہو لبھی پرشاد صاحب ممدوح

فصل ششم در بیان رنگ مردین دوازده[۱۲] در عہ پارچہ را نیل آنقدر دہد کہ سبز او ار رنگ مردین باشد بعد ازین زرد چوب بوزن شش فلوس سائیده بدہد و پارچہ را در آب صاف کند بعد ازین ناسپال بوزن پاؤ آثار جوش داده رنگ صاف کرده دہد و آب ناسپال را نگاه دارد بعد ازین اندک اندک آب کٹ دہد بعد ازین در آب ہمان ناسپال زاک سفید بوزن دو پول سائیده مخلوط نموده باز رنگ دہد و درین آب مایہ دہد رنگ مردینی اول خواہد شد دیگر یک طریق زمردی در فصل ابوه گذشتہ از انجا باید گرفت دیگر برگ ملائم درخت انبہ یعنی کچل نیم پاؤ و در نیم آثار آب جوش دہد سہ بار و ہر بار رنگش علیحده دارند اول آب رنگ اول شوب داده فشرده خشک کند باز برنگ دوم رنگ کرده فشرده خشک نماید باز برنگ سوم ۹ ماشہ پھٹکری باریک سائیده دران آمیختہ شوب پارچہ را خوب داده فشرده خشک نماید کہ سبز زمردی خواہد شد **فصل ہفتم** در رنگ عاقل خانی

یک چیره را ناسپال خست نیم پول آن در جوش داده سرد کنند و صاف کرده رنگ دهند خشک کنند بعده
دو دست بعده یک آثار خود رنگ دهد و اگر چیزی رنگ نیم آبخوره دهد باز خشک کند دو دست کند بعده زاک
بوزن دو فلوس شوربه دهد بعده پتنگ که نیم پاؤ باشد بوزن هفت فلوس جوشانده دو عدد چیره را جوکوب کرده
جوش داده رنگ گرفته باز جوش دهد در آب کهاری که شور باشد هر دو رنگ مخلوط کرده و نیم رنگ رنگ دهد
پس خشک ساخته کرده باز نیم بقیه دیگر رنگ رنگ دهد بعده در همین آب آب بوزن یک کوری آمیخته
شوربه دهد دیگر بست و دو عدد چیره را ناسپال پاؤ آثار داده خشک نموده آب کث یک آبخوره بدهد بعده
زرد چوب چندن دو دام سائیده و زاک سفید وزن چهار دام در آب زرد چوب حل کرده رنگ کنند خشک سازد
بعده چوب پتنگ که خوب سرخ و شیرین باشد بوزن دوازده دام جوکوب کرده وقت شب در آب کهاری خوب
جوشانده صاف کرده صبح رنگ دهد باز پهٹکری بوزن دو فلوس خوب سائیده در آب مخلوط نموده رنگ دهد
باز دو بار مخلوط نموده باز دران رنگ دهد رنگ اعلی شود اگر کث زیاده دهد کاکرزی گردد و اگر میانه دهد
چنوٹیه شود ورنه حاقل خانی بود **فصل هشتم** در رنگ نافرمانی چیره ابر رنگ [illegible] سپرده بگوید که این را
نافرمانی خواهم کرد این را آنقدر نیل بده که نافرمانی شود بعد ازان دو چهٹانک که نیم پاؤ آثار باشد رنگ
دوم کسنبه که گل معصفر است بگیرند و دران چیره برار رنگ داده بعده در همانقدر شهاب دهد و ترشائی
کیری انبه بوزن دو فلوس در آب تر کرده که نگاه داشته باشد در همان آب رنگ انداخته باز رنگ دهد نافرمانی خواهد شد
فصل نهم در رنگ گل انار اول نیم پاؤ رنگ کسنبه را که بعد از شهاب که رنگ اول باشد میگیرند
و یک چیره را بدهند بعده همانقدر شهاب دهد بعده در همین آب شهاب زرد چوب بوزن یکدام یا دو دام دهد
بعده ترشی کیری انبه دو فلوس که در آب تر کرده نگاه داشته باشد همین آب رنگ دهد گل انار قسم اول شود
مسئله در مختار است وکره لبس المعصفر والمزعفر الاحمر والاصفر للرجال یعنی مکروه است
پوشیدن رنگ کرده کسنبه و رنگ کرده زعفران سرخ باشد یا زرد مر مردان را از عفرانی هر دو قسم خود مکروه است
و از قید مردان مفاد آنست که زنان را مکروه نیست **فصل دهم** در رنگ بادامی اول کیری [illegible] شش عدد را
آورده نیم دهد و پارچه را خشک کند بعده [illegible] دوازده فلوس نیم [illegible] آورده آنرا خشک نموده و در هاون کرفته

چانول آن بگیرد و چانول را دو یک کرده آب یک آثار انداخته خوب جوش دهد هرگاه دو سه جوش شوند
وطن کوبر که از شود در رنگ آنرا گرفته نگاه دارد و آب دیگر سوای رنگ آورده انداخته دران آب دیگر رنگ انداخته
پارچه را رنگ دهد اگر رنگ کم آید دیگر که نگاه داشته بود آنرا در همان رنگ دهد باداًمی شود دیگر گل هارسنگهار
دو توله را در آب جوش دهد بعده سرد کرده در ظرف گلی خواه مسی قلعیدار نگاه دارد اول پارچه را برنگ سفید
رنگ خفیف کرده بعده بآب خالص شوید بعده عرق سه حصه کاغذی لیمو را در آب آمیخته دران پارچه انداخته
پس آنرا افشرده خشک کنند بانه رنگ گل هارسنگهار شوب داده فشرده خشک کنند که نهایت عمده باداًمی
خواهد شد فصل یازدهم در رنگ فاختئی برای یک تهان قبا دو مازوی بزرگ که سبز باشد و سوراخ
دران نشده باشد و پروزن بود آنرا جوکوب کرده در اندک آب تر کرده یکپاس نگاه دارد بعده ساییده
دران قدری آب که پارچه دران رنگ کرده شود انداخته مخلوط نموده رنگ دهد بعده در همان آب یک چهار حصه
از آبخوره کش انداخته باز رنگ دهد که فاختئی شود فصل دوازدهم در رنگ خوب تهان قبا را بوزن
شش فلوس ناسپال و شش فلوس کاچیل گیرد و سیاهی کاچیل دور کند و سرخی کاچیل بگیرد و سه پول
این هر سه را جوکوب کرده و آب آنقدر که پارچه رنگین شود تر نموده تا سه روز نگاه دارد بعد سه روز بر آتش
خوب جوش داده صاف کنند اوّل پارچه را پهٹکری داده خشک کرده در رنگ جوش داده مصفی رنگ دهد خوب رنگ شود
دیگر یک تهان را ناسپال پاؤ آثار و مجیٹھه بوزن چهار فلوس هر دو را جوکوب نموده وقت شب
آب بقدریکه بدان پارچه رنگ کرده شود دران انداخته تر کرده نگاه دارد و صباح جوش داده رنگ را
صاف کرده نگاه دارد اول پهٹکری بوزن دو فلوس پارچه را داده خشک کند هرگاه که اندک نم در پارچه ماند
در رنگ مصفی مذکور مصبوغ سازد که خوب خواهد شد فصل سیزدهم در رنگ دوده پخته تینگ قدری
در وا انداخته دو آثار آب جوش دهد و صاف کرده پهٹکری داده غوطه دهد دیگر از مرزا عبدالغفار
خورجوی سلمه الله تعالی برای پارچه دوازده گز باید که بیارد لیتم که تینگ شیرین بود یک آثار آنرا ریزه ریزه کرده
شب در آب دوازده آثار تر کنند صباح آنرا بجوشانند چون نصف ماند صاف کرده آن رنگ را نگاه دارند
باز دران همان قدر آب شیرین انداخته بجوشانند چون نصف ماند آنرا صاف کرده علیحده نگاه دارند اول پارچه را آب صاف

پھٹکری سفید شش توله سائیده آمیخته دران پارچه را شوب داده پس فشرده تمام خشک نموده و نیم پاؤ
بار یک بسا ئیده اندرون در آب که بقدر شوب بود آمیخته پارچه را ترکنند و خوب رنگ داده پس فشرده خشک کرده
کسیس شش توله در آب سائیده پارچه مذکور دران ترکنند و فشرده خشک نماید بعده در رنگ دوم بقم شوب داده
و فشرده خشک نماید باز در رنگ اول بقم پھٹکری شش توله سائیده آمیخته جامه ترکنند و فشرده خوب خشک نماید
باز آنرا در آب که دران هلیله ابیته کرده آمیخته باشند تر نماید و فشرده خشک نموده کندی نماید **فصل چهاردهم**
در رنگ نارنجی شهاب پاؤ سیر زعفران نیم توله در شهاب حل کرده رنگ نماید که نارنجی خواهد شد **فرد**
رنگ زردی از فراق آمد و سرخی از وصال ؛ سوز عشق ست که رنگش همه گوناگون ست ؛ **مسئله** فی الطحطاوی ثبت
الكراهة تنزيهية محمولة على ارادة التشبه بالنساء والتكبر و تنتفى بانتفائهما
نقول الائمة الثلثة يحل لبس الاحمر وهم ابو حنيفة ومالك والشافعى رحمهم الله تعالى
لان النبى صلى الله عليه وسلم لبس الحلة الحمراء وتاويلها بذات الخطوط مردود
والدليل القطعى اثبت حله وهو قوله تعالى خذوا زينتكم عند كل مسجد لان الماخوذ
ماخذه عام وحكم العام اجراؤه على عمومه **فصل پانزدهم** در بیان رنگ سرخ پخته کر شستن نرود
مجیٹھ پاؤ آثار لاکھ دانه نیم پاؤ مهاور نیم پاؤ سهاگه دو دام جمله را یکجا در سه آثار آب جوش داده پارچه سبز نموده
رنگ دهد دیگر از حافظ مرزا عبد الغفار بیگ صاحب خورجوی سلمه الله تعالى برای پارچه دوازده عدد بیارد یک آثار
بقم شیرین آنرا کوفته ریزه ریزه نماید و در ده آثار آب شیرین جوش خفیف داده شب در شسته صباح باز خوب
بجوشانند که نصف آب بماند پس صاف نموده بدارد باز همانقدر آب دران انداخته بجوشانند چون نصف رسد
صاف کرده علحده گیرد اول پارچه را در آب که دران هلیله زرد یک چھٹانک سائیده آمیخته باشد تر نماید پس
فشرده خشک کند بعده در آب پھٹکری سفید شش توله سائیده پارچه را دران شوب داده و فشرده خشک نماید
بعده رنگ دوم بقم را در پارچه رنگ داده و فشرده خشک کند باز در رنگ اول پھٹکری سفید شش توله سائیده
آمیخته بدست آن قدر بجنبانند که کف آرد و لیس دران پارچه را رنگ داده تا یکپاس تر دارد و فشرده خشک نماید
باز هلیله زرد یک چھٹانک باریک کرده در آب آمیخته پارچه مذکور را دران رنگ دهد و ساعتی بگذارد که خوب تر شود

بعدہ فشردہ خشک نماید بعنہ می رساند کہ سرخ پختہ خواہد شد انشاء اللہ تعالی مسئلہ درد غنایت
وفی المجتبی والقہستانی وشرح النقایۃ لابی المکارم لاباس بلبس الثوب الاحمر انتہی
ومفادہ ان الکراہۃ تنزیہیۃ لکن صرح فی التحفۃ بالحرمۃ فافاد انہا تحریمیۃ وہی المحمل
عند الاطلاق قالہ المصنف وللشرنبلالی فیہا رسالۃ فیہا ثمانیۃ اقوال منہا انہ یستحب
فصل شانزدہم دربیان رنگ سرخ کاکریزی تینگ پاؤ آثار مہاورد ودام حرمزی ازکچل یک دام
جملہ را یکجا نمودہ در یک و نیم آثار آب جوش دادہ صاف نمودہ رنگ کند **فصل ہفدہم** در رنگ حیلانی یعنی
پوست ببول پاؤ آثار و ہمین قدر پوست جھڑبیری و مجیٹھ و تینگ مہاور جملہ را در چار آثار آب جوش داده پارچہ سبز
رنگ دہد **فصل ہیجدہم** در رنگ اوغوانی پختہ اول پارچہ را پھٹکری دادہ خشک نماید بعدہ پوست ہلیلہ کابلی
شکستہ عدد گرفتہ و از آب سائیدہ شیرہ او گرفتہ پارچہ را تر نماید و خشک سازد بعدہ چوب تینگ کہ لقم باشد
خوب جوشانیدہ پارچہ سبز نمودہ غوطہ دہد **فصل نوزدہم** در رنگ سماری یعنی کشنہ پارچہ را
پھٹکری دادہ خشک نمودہ در جوشاندہ چھلی ببول پارچہ سبز نمودہ غوطہ دہد **فصل بستم** در رنگ بسنتی
جامہ را زرد چوب پاؤ آثار رواده نیل یک فلوس را آوردہ نیمہ ازان سائیدہ پارچہ تر را رنگ دہد و ازان خشک
بران پارچہ مالد اگر رنگ خوب نظر آید بہتر ورنہ بقیہ نیل کہ داشتہ ہست بازدہد و زاک بوزن یک و نیم تول در آب نیل
مخلوط نمودہ رنگ دہد بعد ازین ناسپال پاؤ آثار را جوش دادہ رنگ صاف کردہ زاک سفید بوزن یک و نیم دام
در آب ناسپال مخلوط کردہ رنگ دہد خوب بسنتی شود دیگر نیل چار ماشہ را در آب سائیدہ اول پارچہ را
دران رنگ کند بعدہ ناسپال شش دام را جوش دادہ صاف نمودہ نگہدارد و پھٹکری را در آب سائیدہ دران
پارچہ را شوب کردہ فشردہ خشک کند باز ہلدی شش دام را خوب سائیدہ در آب آمیزد و دران پارچہ را شوب دہد
و فشردہ خشک کند باز پھٹکری دہد فشردہ خشک کند بعدہ در رنگ ناسپال مطبوخ مذکور رنگ دادہ فشردہ خشک کند **الغرض** ہر بار
کہ رنگ دادہ باشد فشردہ خشک کردہ باشد دیگر اول پارچہ را در زرد چوب رنگ دہد بعدہ در صابون
رنگ سازد و ازان بعد بعرق و شکر عطر لیموی کاغذی در آب آمیختہ شوب دہد فشردہ خشک کند کہ رنگ پختہ
بسنتی عمدہ خواہد شد **فصل بست و یکم** در رنگ درخہ کہ ہر دو طرف دو پٹہ رنگ دیگر باشد باید دوپٹہ ململ